اختلاف مصاحف المصار، شاهدی مهم بر در انتهاء تواتر قراءات به اصحاب قراءات

فعلاً مسیر اصل بحث را بگویم تا فراموش نشود. ما ذیل صفحه هفتم از جزوه مفتاح الکرامه بودیم. در فرعی که داشتند فرمودند: «تواتر نقل الاجماع علی تواتر القرائات السبع». نقل اجماع بر تواتر قرائات سبع، متواتر است. مرحوم صاحب مفتاح الکرامه که جزاف گو نیست این را فرمودند. در بحث این جزوه‌ای که فرمایشات ایشان را می‌خوانید، به «المقام الرابع» در صفحه هفتم رسیدیم. فرمودند «فالقائل بتواترها الی ارباب‌ها دون الشارع»[1]؛ کسانی هستند که می‌گویند این تواتر به عاصم و نافع و ... دارد. در بحثی که ایشان مطرح کردند، عرض کردم حال تواتر الی اصحاب القرائات، اقوالی است که در متأخر –آن هم خیلی متأخر- گفته شده است. اصل ذهنیت متقدمین نه فقط در بحث علمی، بلکه به‌عنوان یک ارسال مسلم صد در صد خلاف آن است؛ خلاف اینکه مثلاً قرائات را به نافع و عاصم و ... نسبت بدهند؛ یعنی متواتر به آن‌ها است و بعدش نه. اصلاً چنین نبود. اینجا بود که ایستادیم و من عرض کردم یکی از چیزهایی که دلالت دارد که این قرائات فقط به اصحابش متواتر نیست، و شاهد قوی و روشنی است که این‌ها متواتر به شارع است، مسأله اختلاف مصاحف المصار است. یعنی دیگر این را نمی‌توانند کاری کنند. عرض کردم دکتر غانم قدوری وقتی به اینجا رسید، با اینکه آن مبانی را اتخاذ کرد و همراه مکی بن ابی‌طالب شد، در اینجا دست تسلیم را بالا بردند. چرا؟ به‌خاطر اینکه آن پنج مصحف یا هفت مصحفی که عثمان به بلاد پنج گانه فرستاد، از روز اول بین مسلمین مشخص‌هایشان معلوم بوده. قاری هایی که آن‌ها را اقراء می‌کردند معلوم بوده. این تفاوت مصحف ها را از روز اول گفته‌اند. عرض کردم ابن عامر طبق نقلی که خودش دارد طول عمرش صد و ده سال یا سیزده سال بوده، جوانی خود را قبل از کار عثمان طی کرده است. حال هم یکی از مهم‌ترین قراء سبعه است که از نظر سنی از همه آن‌ها جلوتر است.

ابن عامر کتاب نوشته به نام اختلاف مصاحف المصار. یعنی مطلب این قدر نزد آن‌ها روشن است؛ می‌دانستند که مصاحف به این صورت است؛ منضبط بوده و حالت ابهام نداشتند. این مصاحف که مختلف هستند را به‌هیچ‌وجه نمی‌توانیم نسبت بدهیم که عاصم به این صورت خوانده؛ یا نافع به این صورت خوانده. دیگر نمی‌توانیم این را کاری کنیم. این یک دلیل خوبی است دال بر اینکه تواتر القرائات، الی اصحاب‌ها نیست. مگر مصحف کوفه را عاصم درآورده؟! مگر مصحف مدینه را نافع درآورده؟! این‌ها مصاحفی در دست اهل بلد بوده که قرائات بلد بود، نمایندهٔ آن‌ها نافع شده. نمایندهٔ آن‌ها عاصم شده. در سوره مبارکه واللشمس، کوفی ها «والیخاف» می‌خواندند. اهل مدینه در مصحف ورش «فلا یخاف» می‌خواندند. همه ائمه جماعات هم در نماز جماعت می‌خواندند؛ در عید فطر

می‌خواندند. احدی هم سؤال نمی کرده این است ای این است. چرا؟ چون به قول ابو عبید در فضائل القرآن، همه می‌دانستند هر دوی آنها قرائتی است که از ناحیه حضرت اقراء شده. هر دوی آنها را ملک وحی آورده است. وقتی برای آنها واضح بوده برای چه سؤال کنند؟!

از اینجا بود که وارد این بحث شدیم. رسم المصحف چند سؤال داشت. یک سؤالی که به‌ذهن‌بال آن بودیم این بود که آیا ناسخ عثمان در نوشتن تعمد داشته ای نه؟

---

[1] مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط-جماعة المدرسين) نویسنده : الحسيني العاملي، السيد جواد جلد : ۷ صفحه : ۲۲۰

بازبینی #2
ایجاد شده 13 ژوئن 2024 12:13:00 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 ژوئن 2024 12:14:37 توسط ... .